

دولت احمدی نژاد

تحلیل جامعه‌شناسی

بیژن مصاحب نیا (ف‌صنعتکار)
اسفند 1386

این نوشته یکی از چند مقاله‌ای است که در باره دولت در ایران منتشر خواهیم کرد. کوشش کرده‌ام که مقالات را هر چه فشرده و مختصر انتشار دهیم. نکات بسیاری در تحلیل از دولت پرورده نشده مثلاً نقش اقتصاد نفتی و یا تقدم سیاست بر اقتصاد و نظائر آن است که در نوشته‌های بعدی به آن می‌پردازیم.

انتخاب آقای احمدی نژاد برای ریاست جمهوری در ایران و سپس موضع‌گیریهای سیاسی ایشان سؤالات زیادی برای صاحب نظران ایرانی و بین‌المللی بوجود آورد که جواب بدانها چندان آسان نیست. تحلیل از سیاست احمدی نژاد اگر بر مبنای متداول دیپلماتیک و یا معیارهای منطق غربی برآورد شود جوابی به جز " غیرمنطقی " ، " نامعقول " ، " حساب نشده " و نظائر آن نمی‌توان شنید. پس احمدی نژاد چگونه دولتی است.

از دیدگاه جامعه‌شناسی ، احمدی نژاد فقط عاملی است که در رابطه همگون با قوانین تحوّل جامعه ایرانی قرار گرفته است. عبارت دیگر، قوانین تغییرات یک جامعه بر اساس سیاست و فرهنگ آن از قبل پرداخته شده، اما در برهه خاصی از زمان، فرد مشخصی رهبری جامعه را بدست می‌گیرد. تغییر برای پیشرفت لزوماً تغییر مثبت برای جامعه نیست. پیش آمدهای تاریخی دو قرن اخیر شخصیت‌هایی مانند ناپلئون ویا هیتلر به جهان عرضه کرد که حرکت آنان در عین ملی‌گرائی شدید، چیزی جز زیان برای جامعه شان نبود.

عمل کرد احمدی نژاد را باید در حیطه جنبش‌های رادیکال اسلامی در خاور میانه جستجو کرد. او بیش از آنکه مبلغ اسلام باشد، یک ناسیونالیست واقعی است و از این زاویه ناسیونالیستی است که حملات او به اسرائیل و آمریکا در خاور میانه و در امریکای لاتین جاذبه و طرفدار زیادی دارد. این که آمریکائیا و اروپائیاها او را فئاتیک مذهبی معرفی کرده‌اند اصلاً درست نیست. احمدی نژاد بیش از هر رهبری در ایران ملی‌گراست. شاید پرورش سیاسی او در جریان جنگ با عراق این خصلت ناسیونالیستی را در او قوی کرده است. عقاید مذهبی احمدی نژاد و فئاتیسم مذهبی او در حد فئاتیسم یک بازاری است تا اصول گرائی آیت الله‌های ایران.

ناسیونالیسم احمدی نژاد را بهتر است در حیطه ایدئولوژی پوپولیستی بررسی کرد. متأسفانه لفظ " پوپولیسم " در ایران برای فحش سیاسی به احمدی نژاد بوسیله کسانی بکار میرود که خود عالمانه برای پوپولیسم در انقلاب بهمن 57 سینه می‌زدند. اینان بدون آنکه درک درستی از مفهوم علمی پوپولیسم داشته باشند این لغت را تکرار می‌کنند.

پوپولیسم در کشور های پیرامونی، اصولاً ایدئولوژی ناسیونالیستی است که در برابر سرمایه انحصاری و قدرت خارجی قد علم می‌کند. این ایدئولوژی بیش از هر چیز تکیه بر عدالت اجتماعی در برابر بی‌عدالتی سرمایه انحصاری دارد. مفهوم بی‌عدالتی و سپس خواست بیشتر در امر توزیع، مشتاقان زیادی در میان تهری دستان شهری در ایران داشت.¹ احمدی نژاد با شعار تقسیم عادلانه در آمد نفت در ایران این طبقه اجتماعی را به سمت خود جذب کرد و آنان پایگاه توده‌ای احمدی نژاد شده‌اند.

در مناسبات سرمایه داری، پوپولیسم " ارزش مصرفی " را بر ارزش " تولیدی " مقدم می‌دارد. و بنا بر چنین ارجحیت ایدئولوژیک، نقش بازار در سیاست احمدی نژاد بر جسته می‌گردد.

در مبارزه بر علیه قدرت بیگانه احمدی نژاد جلوتر از سایر رؤسای جمهور ایران قرار گرفته و پرستیژ سیاسی در میان مردم خاور میانه و امریکای لاتین کسب کرده است.

پایگاه اجتماعی

پایگاه توده‌ای احمدی نژاد بیش از هر جا در طبقه تهری دستان شهری و بازار است. تهیدستان شهری که امروز آنان را " طبقه محروم جدید " نام داده‌اند شرکتی فعال در جنبش سی سال اخیر در ایران داشته‌اند. برای آنان " عدالت خواهی " بیش از هر چیز جاذبه سیاسی دارد. برای این گروه " تحرک اجتماعی " از اساس اولیه زندگی اقتصادی است که با کار عوض کردن از این شاخه به آن شاخه می‌پردازند. بواسطه این تحرک اجتماعی است که گرایش طبقاتی این گروه مرتب در حال تغییر است. فعالیت اقتصادی آنان که

برای توضیح بیشتر در باره پوپولیسم در ایران، به دفتر چهارم نظم نوین رجوع کنید¹

صرفاً برای امرار معاش است شامل دست فروشی، خدمات شهری، کارگر ساختمانی، کارگر موقتی و کاسبی خرده پا است. این طبقه در زمان شاه بنا بر زادگاهشان خود را گروه بندی می کردند: آذربایجانی ها، اراکی ها، کرد ها، خراسانی ها و غیره از آن جمله بودند که اکثراً در حاشیه شهر ها، **خارج از محدوده** زندگی میکردند. رهبری این گروه ها با آدم هائی بود که کارگران و دست فروشان را به نقاط مختلف شهر می فرستادند. حل و فصل دعوای این جماعت قبل از آنکه به پلیس و داد گستری برسد، بدست این رهبران حل و فصل می شد. همچنین کنترل رباخواری، قمار بازی، مواد مخدر و فحشا بدست آنان بود. این طبقه هیچگونه رهبری سیاسی نداشت.

پس از انقلاب اسلامی، رهبری این طبقه بدست هیئت های مذهبی در حاشیه شهر ها افتاد و رهبران قبلی در این هیئت ها ادغام شدند. از آن به بعد بهبود اقتصادی این طبقه در فعلیت سیاسی آنان گره خورد. اینان همان "مردم حاضر در صحنه" بودند که با زنجیر و چاقو به گروه های چپ و دانشجویان حمله می کردند و هر جمعه نیز به دانشگاه تهران برای نماز جمعه حمل و نقل می شدند. بتدریج سازمان های سیاسی دولتی و نیمه دولتی مانند کمیته، پاسداران، بسیج و یا انصار حزب الله افراد این طبقه را بخود جذب کرد. اما بسیجی ها بزرگ ترین گروه سازمان یافته این طبقه بودند.

یکی از طرفداران احمدی نژاد نقش سیاسی این طبقه را این گونه بیان می کند: «طبقه جدید» اتفاقاً در دوران خاتمی در جنوب تهران و شهرری سامان خود را پیدا کرد و ترور سعید حجاریان توسط یکی از اهالی «شهرری» آغاز حضور جدی این طبقه در متن سیاست ایران بود.²

همو سپس به ترکیب طبقاتی طرفداران احمدی نژاد می پردازد و میگوید:

" طبقه مرفه بازاری قدیم، طبقه حزب اللهی و مذهبی و ایثارگر، طبقه روستایی و حاشیه نشین شهری که هر یک به نوعی در دوره خاتمیسم احساس «طردشدگی» در سطح گفتمان سیاسی می کرد، خود را با «طبقه جنوب» همسان دید و به ناگاه «حاشیه جنوب»، تبدیل به «متن مرکز» شد و گفتمان جنوب نه تنها، در سطح جنوب بلکه در سطح همه مشارکت کنندگان و طبقات طرد شده مسلط گردید. ظهور احمدی نژاد در سطح گفتمانی، معنایی جز هژمونیک شدن «گفتمان جنوب» در سطح قدرت و سیاست نداشت. گفتمانی که تسلط خود را در طرد «طبقه متوسط شهری» و شاخص های آن می دید. " (همانجا)

از سوی دیگر، روی کار آمدن جناح احمدی نژاد نسل جدیدی برای رهبری سیاسی ایران عرضه کرد که هیچ یک از آنان نقش عمده ای در سیاست بعد از انقلاب نداشتند. نسل قدیم رهبری همان روحانیونی بودند که از ابتدا کنترل امور را در دست گرفته، اما هر یک برای خود کنترل سیاسی و اقتصادی اجزائی از جامعه را در اختیار داشتند. بنا بر این، تعدد مراکز قدرت نقش ولایت فقیه را ضعیف می کرد.

جناح احمدی نژاد بیش از هر جناحی نزدیک و وابسته به رهبری است و از این طریق قدرت سیاسی کسب می کند. آیت الله خامنه ای اصلاح طلبی را دشمن حکومت فقیه می داند. بهمین خاطر، احمدی نژاد را سدی در برابر اصلاح طلبان که در تدارک تجدید حیات اند قرار داده است.

بسیجی ها

بسیجی ها بزرگترین نیروی توده ای سازمان یافته در ایران است که در سطوح مختلف به نفع اصول گرایان اسلامی فعالیت می کنند. این گروه در اوایل جنگ ایران و عراق بفرمان آیت الله خمینی بنام بسیج مستضعفین تشکیل شد.

تعداد واقعی این گروه هنوز مشخص نیست. در 1364 زمان جنگ با عراق، حجت الاسلام رحمانی سرپرست نیروی بسیج تعداد داوطلبان را 3 میلیون اعلام کرد. در فروردین 1384 سرلشگر محمد حجازی فرمانده بسیج تعداد بسیجی ها را یازده میلیون گفت. منابع دیگر تعداد را حدود یک میلیون تخمین می زنند که شامل بسیجی فعال و بسیجی ذخیره است.

امروزه بسیج شعبات گوناگون مانند بسیج عشایری، بسیج دانشجویی، بسیج سازندگی، سازمان بسیج کارمندی، بسیج جامعه پزشکی و نظائر آن دارا است کار عمده این شعبات بیش از هر چیز جمع آوری اطلاعات و مقابله با اعتراضات مردم است.

² سید مجید حسینی، بازتاب، بیست شهریور 1386

بسیج دانشجویی در 1367 تشکیلات شد و بسیجی ها بصورت گروه ویژه به دا نشگاه راه یافتند. این گروه بنا به گفته یکی از دانشجویان، بصورت "نیروی اشغال گر" در تمام دانشگاه های ایران فعال است اخیراً نیز تقاضای شرکت و نظارت در تحقیقات علمی دانشگاهیان دارد.

بسیج نقش مؤثری در انتخاب احمدی نژاد داشت. بعد از انتخابات، دولت احمدی نژاد دست به گسترش سازمان بسیج زد از جمله دادن اختیار قضائی به بسیجی ها بود تا بتوانند بطور مستقیم در امر جرائم مداخله کنند.

بسیج سازندگی ارگان دیگری است که برای مقابله با کارگران سازمان یافته بکار گرفته می شوند و آنان بصورت کارگر موقتی در پروژه های دولتی و خصوصی بکار میروند. پس کارگران واقعی در انتخابات بر علیه احمدی نژاد رأی دادند و در تظاهرات اول ماه مه 2006 بیش از ده هزار کارگر صنعتی اعتراض به سیاست کارگری احمدی نژاد کرد ند وگفتند که احمدی نژاد اشتغال دائم کارگری را از بین خواهد برد. آنان سپس خواستار برکناری محمد جهرمی وزیر کار شد ند. این تظاهرات توسط خانه کارگر که تنها سندیکای قانونی کارگران است، ترتیب داده شده بود.

در دوران ریاست جمهوری خاتمی، بسیجی ها و انصار حزب الله بطورنسبی ساکت شده بودند و کمتر مزاح مردم در باره حجاب و لباس پوشیدن می شد ند. اما با روی کار آمدن احمدی نژاد، فشار این گروه ها بر مردم چند برابر شده است.

چپ روی

شعارهای پوپولیستی احمدی نژاد تقریباً همان شعار های چپ ایران در باره عدالت خواهی، تقسیم عادلانه ثروت و حمله به سرمایه بزرگ است. این سیاست احمدی نژاد جناح های دیگر حاکمیت را به انتقاد از وی کشاند. " پس از تجربه یک دوره شعارهای چپگرایانه در دهه نخست انقلاب که ناشی از برداشت های نادرست از برخی از صفحات تاریخ اسلام و تلفیق آنها با شعارهای مارکسیستی در طول چند دهه از تاریخ ایران پیش از انقلاب بود، اکنون در مواردی دوباره این شعارها سربرآورده است. نگاهی به برخی بخشنامه های اخیر دولت و شعارها و رفتارهایی که از دولت نهم مشاهده می کنیم، به خوبی می تواند این وضعیت را نشان دهد."³

پوپولیسم از نظر ایدئولوژی شباهت قریبی به سوسیالیسم تخیلی دارد روی همین اصل سیاست های هوگو شاوزدر ونزولا تعبیر به چپ روی مارکسیستی می شود. " اما اکنون احساس می شود دور جدیدی که در بخشی از دنیا مثلاً آمریکای لاتین آمده که علاقه مندی به شعارهای چپ روانه است، روی جناح راست ما هم تأثیر گذاشته است. این خطری است که ما را از اصالت اسلامی خود دور می کند. " (همانجا)

احمدی نژاد نماینده جناحی از حاکمیت است که از پروسه جدید سرمایه داری در ایران عقب افتادند. روی کار آمدن تکنوکرات ها در دو دهه گذشته و نفوذ رفرمیستها در سیستم حکومتی کم کم زمینه را برای تغییر کلی در سیستم اسلامی مهیا می کرد. جناح احمدی نژاد در برابر این تغییرات ایستادگی می کرد ند. برای آنها اصول گرایی از میانی اصلی انقلاب اسلامی بود که باید به آن افتخار کرد. اما مقابله با این موج جدید تنها با مراجعت به اسلام راستین میسر نبود. چه جبهه مخالف احمدی نژاد خود از پایه گذاران اسلام راستین بودند. در اینجا پوپولیسم به کمک احمدی نژاد آمد فنومنی که دیگر جناح ها از آن غافل ماندند.

حجتیه

وابستگی مذهبی احمدی نژاد به حجتیه را باید در حیطه گسترده تری که همانا حیطه سیاسی است جستجو کرد. حجتیه یکی از جناح های درون جمهوری اسلامی است که با سیاست التفاتی خود، راه را برای راست ترین گرایش اسلامی تا پوپولیسم مدرن باز نگه می دارد. از نظر تاریخی این گروه با مبارزه علیه بهائی گری در 1334 شکل گرفت. هردو گروه به رجعت امام زمان معتقد بودند اما در مهدی گرایی، گروه حجتیه از بهائیان عقب بود. پایه گزار گروه فردی بنام شیخ محمود ذاکر زاده تولائی معروف به حلبی است. مرکز فعالیت آن در قم است. از رهبران گروه: آیت الله مصباح یزدی، آیت الله خزعلی و تاج الدین محرابی را می توان نام برد. احمدی نژاد در رده پائین تر قرار دارد. این گروه در جنگ ایران و عراق در سپاه پاسداران نفوذ کرد و طرفداران بسیاری را به سمت خود کشید. امروز نفوذ این گروه در سیستم دولتی و اقتصادی ایران آنها را به صورت یکی از جناح های قدرتمند درآورده است.

³ حجتیه الاسلام رسول جعفریان، بازتاب، 24 مرداد 1386

از نظر اجتماعی، واپس‌نگری و فئاتیسم این جناح در حکومت احمدی نژاد، موجب محدودیت فرهنگی و اجتماعی مردم، اما شدیدتر از قبل شده و نارضایتی طبقه متوسط شهری را برانگیخته است.

سیاست خارجی

چنانچه سیاست احمدی نژاد را در یک جمله خلاصه کنیم این میشود: **احمدی نژاد به جورج بوش گفت که از خود دیوانه تر ندیده بودی تا عاقل شوی.**

احمدی نژاد با ریسک بزرگی که در سیاست خارجی کرد خود را قهرمان مبارزه با آمریکا و اسرائیل به مردم خاور میانه نشان داد. او با شکستن مهر مراکز اتمی ایران و از سرگیری غنی‌سازی اورانیم همان عملی را کرد که دکتر مصدق در نیم قرن پیش در شرکت نفت ایران و انگلیس کرده بود. احمدی نژاد و اصول‌گرایان گفتند که متوقف کردن غنی‌سازی در دوران خاتمی هیچ نتیجه‌ای برای ایران نداشته، ایران در نظر غرب هنوز محور شیطان بود، هنوز در تحریم اقتصادی بود، هنوز شریک تروریسم بود. پس چرا از موضع قدرت با آمریکا صحبت نکنیم.

سیاست ضد اسرائیل احمدی نژاد همانا بازگشت به جو ضد یهودی قبل از انقلاب بود که در قاطبه مردم با شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل ابراز می‌شد. مقوله انکار هولوکاست مسئله‌ای بود که در سیستم خبری غرب و بخصوص آمریکا بر علیه ایران بکار برده میشد و برخی از روشنفکران مقیم خارج را که مشاغل دانشگاهی داشتند به ترس انداخت. از جمله آقای عباس میلانی بود که در مقاله‌ای در نیویورک تایمز از هولوکاست دفاع کرد و گفت که ایرانیها از زمان هخامنشیان تا به امروز طرفدار و همیار یهودیان بوده‌اند.

اما آنچه که در ورای تبلیغات ضد ایرانی قرار داشت مسئله اسرائیل در خاور میانه بود. امریکا نمی‌خواهد قدرتی در برابر اسرائیل در خاور میانه قد علم کند. و مخالفت با مسئله اتمی ایران به این خاطر بزرگ شده است. اما از سوی دیگر اشغال عراق و افغانستان قدرت سیاسی آمریکا در منطقه را ضایع کرده است. بالنتیجه، نفوذ روز افزون ایران در منطقه، نفوذ در لبنان، جنبش فلسطین، عراق، افغانستان، ایران را بصورت نیروی قوی سیاسی در خاور میانه در آورده که صلح در منطقه بدون دخالت ایران امکان پذیر نیست. و این خود از مشکلات بزرگ آمریکا در خاور میانه است.

سخن پایانی

تاریخ صد ساله اخیر ایران شاهد مبارزات ادواری برای استقلال ملی است که در هر دوره با ویژگی خاصی خود نمائی می‌کند. در این دوره از تاریخ اما ناسیونالیسم چپ‌گرا جامه پوپولیسم احمدی نژاد را به بر کرده و اصول‌گرایان دو آتشه را تحت نفوذ خود در آورده است. این پوپولیسم اما از جهات مختلف مورد حمله قرار دارد و متأسفانه برای نجات خود دست به سرکوب همان ملتی می‌زند که ادعای رستگاری آنان را دارد.